



بولتن کارگری

شماره 3

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

دستمزد سال 98 کارگران ایران

عامل اصلی بلایای و فجایع طبیعی و

غیر طبیعی حکومت اسلامی است!

تازه‌ترین اخبار سیل یک‌شنبه 11 فرودین 1399 – 31 مارس 2019:

- * سیل در پلدختر؛ 60 متر از دیوار ساحلی شهر فرو ریخت.
- * فرماندار دلفان: 40 درصد شهر دلفان را آب فرا گرفت/ اعلام وضعیت بحرانی فرماندار دلفان ضمن بحرانی خواندن وضعیت این شهرستان گفت: هم‌اکنون 40 درصد سطح این شهر را آب فرا گرفته است.
- * راه ارتباطی شهر ایلام به دهلران به‌طور کامل قطع شد.
- * معاون عمرانی استاندار لرستان: راه ارتباطی شهر معمولان به‌طور کامل قطع شد. آب رودخانه کشکان در حال بالا آمدن است، ضلع غربی شهر معمولان هر چه سریع‌تر منازل خود را ترک کرده و به محل‌های اسکان مراجعه کنند.
- * مدیرکل مدیریت بحران استانداری لرستان ا. اوضاع وحشتناک سیلاب در 3 شهر لرستان، خانه‌ها تخلیه نشوند کشته خواهیم داشت.
- * اعلام حالت فوق‌العاده در خوزستان؛ 6 استان در معرض سیلاب شدید. مردم منطقه گمیشان پس گذشت 10 روز هم چنان در محاصره سیل قرار دارند.
- * مدیرکل مدیریت بحران استانداری کرمانشاه: 19 هزار خانوار کرمانشاهی مناطق خطرناک اخطار تخلیه دریافت کرده‌اند.
- * مردم منطقه گمیشان در استان گلستان پس گذشت 10 روز همچنان در محاصره سیل قرار دارند.
- * 110 روستای سوادکوه بر اثر سیل خسارت دید.
- * خوزستان در معرض سیلاب؛ اعلام حالت فوق‌العاده در خوزستان.
- * سیل در لرستان خسارت‌های زیادی به بار آورد و سبب تخریب بسیاری از ابنیه، پل‌ها، منازل مسکونی و محورهای مواصلاتی استان شد. چهار نفر کشته شدند.
- * خطر سیل در استان‌های خوزستان، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری و ایلام.
- * بعد از گذشت پنج روز از سیلاب همچنان راه‌های ارتباطی برخی روستاهای پلدختر، آب شرب و آنتن دهی تلفن همراه قطع است. برخی روستاهای پلدختر بر اثر سیلاب اخیر دیگر قابل سکونت نیست و امکان زندگی کردن مردم در این روستاها وجود ندارد.
- * بیکار شدن 3 هزار کارگر گلستانی در اثر سیل اخیر.
- * رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان گفته است بر اثر سیلاب و آب‌گرفتگی واحدهای تولیدی و صنعتی در شهرهای گنبدکاووس، آق‌قلا، بندرترکمن و گمیشان حدود سه هزار نفر در استان بیکار شده‌اند.
- * خسارت سیلاب به 256 مدرسه در گلستان.
- * معاون امور هماهنگی استان‌های بنیاد مسکن حکومت گفته است: 25 هزار واحد مسکونی کشور در سیلاب اخیر تخریب شد.

معیشت کارگران ایران، به سطح پنج برابر زیر خط فقر سقوط کرده است. این وضعیت زندگی کسانی است که هنوز دستمزد و حقوقی دریافت می‌کنند. صدها هزار کارگر به دلیل سوءاستفاده مدیریت، انسدادهای مالی و خوابیدن تولید، دستمزدهای معوقه دارند. تعدیل نیرو، دستمزد معوقه، رواج قراردادهای کوتاه مدت، تشدید حوادث حین کار، اعتصاب، اخراج و احضار، شاخص محیط‌های کارگری در این چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی سال بوده‌اند. حداقل دستمزد کفاف یک پنجم هزینه یک خانوار کارگری چهارنفری را نیز نمی‌دهد. کارگر ایرانی، به‌شدت استثمار می‌شود و اگر اعتراض و اعتصاب کند با اخراج، سرکوب، زندان و شکنجه مواجه می‌گردد. سرمایه‌داران خصوصی و دولتی، باید به دولت «تدبیر و امید» روحانی و تیم وزارت کارش جایزه سال را اعطا کنند چرا که دستمزد کارگران را از 256 دلار در سال گذشته، اول سال جاری به 126 دلار کاهش داده‌اند. میلیاردرهایی چون شریعتمداری و آهنی‌ها نماینده کارفرمایان، که فقط پول توی جیبی فرزندان‌شان بیش از 2 میلیون تومان است چرا باید وضعیت کارگران و فرزندان آن‌ها را درک کنند؟! جلسه شورای عالی کار مرکب از نمایندگان دولت، کارفرمایان، و تشکل‌های مورد تایید دولت در هفته‌های پایانی اسفند برگزار شد اما بی‌نتیجه ماند. در سه سال اخیر کمیته مزد شورای عالی کار خودش هزینه سید معیشت خانواده کارگری را محاسبه می‌کند امسال نیز هزینه سید معیشت خانوار کارگری را این کمیته 3 میلیون و 759 هزار تومان تعیین کرد. طبق برخی آمارها نیرو کار ایران و با خانواده‌هایشان حدود 75 میلیون نفر هستند اما حکومت تنها برای 14 میلیون کارگر رسمی حداقل دستمزد سالانه تعیین می‌کند. به عبارت دیگر در ایران، تقریباً یک نفر کار می‌کند تا زندگی 4 یا 5 عضو خانواده خود را تامین کند. بنابراین، ایران و کشورهای مانند ایران، نیروی کار را بی‌رحمانه سرکوب و به‌شدت استثمار می‌کنند. محمد شریعتمداری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بخش‌نامه دستمزد سال 1398 را برای اجرا ابلاغ کرد. طبق بخش‌نامه، حداقل دستمزد روزانه کارگران مشمول قانون کار (اعم از قرارداد دائم یا موقت) 50 هزار و 562 تومان است. دستمزد پایه کارگران سایر سطوح مزدی نیز 13 درصد افزایش می‌یابد. و کمک‌هزینه ماهانه اقلام مصرفی 190 هزار تومان تعیین شده است.

ادامه در ص 3



زنده باد جنبش کارگری

اهداف کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد با هدف آشنایی، معرفی و جلب پشتیبانی از جنبش کارگری ایران و سوئد تشکیل شده است. رساندن اخبار و مبارزات جنبش کارگری به سازمان‌ها و نهادهای کارگری به‌طور روتین از وظائف کمیته می‌باشد. قوی کردن همبستگی کارگری و شرکت فعال در مبارزات کارگری نیز از اهداف کمیته است.



شکل کار

- *انتشار نشریه به زبان‌های فارسی و سوئدی، استفاده از ابزارهای تبلیغاتی عمومی
- *شرکت و سازماندهی جلسات کارگری
- *تماس با فعالین، نهادها و سازمان‌های کارگری
- *سازماندهی کلاس‌های آموزشی
- *برگزاری جشن‌ها و شب‌های همبستگی
- *شرکت در مراسم اول ماه مه و هشت مارس
- *تشکیل گروه‌های کاری برای پیشبرد طرح‌ها و پروژه‌های مختلف در مورد وضعیت زنان کارگر و برنامه‌های ویژه
- *برای جوانان و نو جوانان و غیره
- *جلب پشتیبانی از مبارزات کارگری و شرکت فعال در مراسم و مبارزات کارگری در سوئد
- *برگزاری کمپین‌های اعتراضی و قرفه‌های اطلاعاتی

آئین‌نامه

- *همه افراد موافق اهداف کمیته بدون توجه به ملیت، جنسیت، مذهب می‌توانند عضو کمیته شوند.
- *اعضا از حقوق کامل و برابر در تمامی سطوح کاری کمیته برخوردارند.
- *اعضا حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در تمامی سطوح کمیته را دارا می‌باشند.
- *پذیرش مسئولیت در کمیته داوطلبانه است.
- *مجمع عمومی بالاترین ارگان کمیته بوده که هر ۶ ماه یکبار تشکیل می‌شود.
- *تمامی مسئولین در مجمع عمومی توسط اکثریت اعضا انتخاب شده و نیز با خواست اکثریت اعضا قابل عزل می‌باشند.
- *مسئولیت‌ها در کمیته دوره‌ای است.
- *اهداف، شکل کار و آئین‌نامه و امور مالی کمیته در مجمع عمومی بحث، تغییر و تصویب می‌گردد.
- *مجمع عمومی با نصف + ۱ اعضا رسمیت داشته و تمامی تصمیمات نیز حداقل با رای ۳/۲ اعضا حاضر در مجمع تصویب می‌گردد.
- *حق عضویت ماهیانه ۵۰ کرون سوئد می‌باشد.
- *مجمع عمومی هیئتی را برای هماهنگی فعالیت‌ها انتخاب می‌نماید.
- *مجمع عمومی فوق‌العاده توسط نصف + ۱ اعضا فراخوانده می‌شود.
- *فراخوان مجمع عمومی یک ماه قبل به اطلاع همه اعضا می‌بایست رسیده باشد.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

isask@comhem.se

IRANSK – SVENSKA ARBETAR SOLIDARITETS KOMMITTÉN

دستمزد سال 98 کارگران ایران

تصمیم شورای عالی کار که سه‌شنبه شش فروردین ابلاغ شد، با اجماع طرفین (نمایندگان دولت، نمایندگان کارفرمایان بخش خصوصی و نمایندگان تشکلهای اسلامی کار) گرفته شده و قرار است نقطه پایانی بر بحث حداقل دستمزد و زندگی زیر خط فقر کارگران باشد. کاهش ارزش ریال و افزایش قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز

کارگران در ماه‌های پایانی سال 1397، دستمزد واقعی کارگران را به‌شدت کاهش داد و پیش‌بینی‌ها برای سال جاری باز هم افزایش بیش‌تر قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز کارگران و کاهش بیش‌تر مزد واقعی کارگران است. در مذاکرات «سه‌جانبه» شورای عالی کار، دولت ظاهراً نقش میانجی به خود می‌گیرد در حالی که نقش دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرمای کشور در این مذاکرات تعیین‌کننده است و افرادی که به‌عنوان نمایندگان

کارگران در این نشست‌ها شرکت می‌کنند، نقشی فرمایشی دارند و نماینده واقعی کارگران ایران نیستند. تجربه نشان داده است با وجود انتقادات رسانه‌ای نسبت به وضعیت معیشت کارگران، در جلسات شورای عالی کار در نهایت با نظر نمایندگان دولت و کارفرمایان موافقت می‌کنند.

کمیت مزد شورای عالی کار هزینه سبد معیشت خانوار کارگری را سه میلیون و 759 هزار تومان تعیین کرده و نمایندگان به‌اصطلاح کارگری این شورا، پیشنهاد کرده بودند برای جبران عقب‌ماندگی مزد کارگران، سال 98 یک میلیون و 89 هزار تومان به مزد کارگران افزوده شود، هر چند که تاکید کرده بودند: «به این معنا نیست که ما می‌خواهیم این رقم را روی دستمزد بگذاریم، بلکه انتظار داریم این رقم در سرجمع دریافتی کارگران لحاظ شود.» این در حالی است که تشکلهای مستقل کارگری برای سال 1398 خواستار حداقل دستمزد به میزان هفت میلیون تومان شده‌اند.

از اواخر سال گذشته، حرکتی بر سر خواست افزایش حداقل دستمزدها به کف 7 میلیون راه افتاده است. گفت‌وگوهای اصلی این حرکت، نه به زندگی زیر خط فقر، لغو حقوق‌های نجومی و حق داشتن یک زندگی انسانی است. صف این جنبش را کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش عظیمی از حقوق‌بگیران جامعه تشکیل می‌دهد. اسفند ماه گذشته، 7 تشکل کارگری سندیکای نیشکر هفت‌تپه، سندیکای واحد، گروه اتحاد بازنشستگان و کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری و نیز اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی برق و فلزکاران کرمانشاه و کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری بر سر دستمزدها بیانیه داده و درخواست حداقل دستمزد تاکید کرده‌اند. یک موضوع محوری در اعتراضات معلمان و بازنشستگان افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر است.

چرا کمیته مزد شورای عالی کار مبلغی را زیر خط فقر به‌عنوان سبد معیشت تعیین می‌کند اما وقتی به تعیین حداقل دستمزد می‌رسد، مبلغ باز هم کم‌تری را به‌عنوان حداقل مزد به تصویب می‌رساند، این همان یک بام و دو هوای حکومت و هم‌دستی آن‌ها با سرمایه‌داران دولتی و خصوصی است.

روحانی امسال به‌صورت آشکار در مورد موضوع دستمزد دخالت کرده و اعلام نمود که بیش از 400 هزار تومان را دولت نمی‌تواند قبول کند و همین هم مصوب شد.

رییس جمهور با اشاره به این‌که امسال توان ما برای افزایش حقوق بیش از 20 درصد نبود و او ادعا کرد که همه تلاش خود را به کار گرفته‌ایم که رفاه مردم را فراهم کنیم، گفت: در بودجه سال آینده برای دارندگان درآمد ثابت اعم از کارمندان و بازنشستگان که مجموع آن‌ها حدود پنج میلیون و 500 هزار نفر است و برای همه کارگران که 14 میلیون نفر هستند تلاش کردیم که بتوانیم حقوق و مستمری کارمندان حدود 20 درصد و برای کارگران بیش از 20 درصد برای سال آینده افزایش قابل‌باشیم.

روحانی ادامه داد: افزایش 20 درصدی حقوق کارمندان را با فرمول خاص مجلس تصویب کرده و تبدیل به قانون شده و برای کارگران

هم این هفته بررسی می‌کنیم و تصویب می‌کنیم که دستمزد آن‌ها هم 20 درصد افزایش یابد.

زیر فشار فضای پر تلاطم جامعه و رشد افسارگسیخته نرخ تورم، بنا بر مصوبه مجلس اسلامی و تایید شورای نگهبان مقرر شده است که در سال 98 به حقوق کارکنان دولت 400 هزار تومان اضافه شود. بر سر این موضوع جنجال بسیاری به پا شده و ظاهراً در این مورد



بحثی بین دولت و مجلس به راه افتاده است. در حالی‌که به گفته نوبخت، 1 میلیون و 100 هزار نفر از افراد شاغل و بازنشسته زیر 2 میلیون تومان حقوق می‌گیرند. بر اساس همین گفته‌ها حتی با افزایش 400 هزار تومان دستمزد آن‌ها کم‌کم 5 بار زیر خط فقر خواهد بود. بدون این‌که از درمان رایگان و یا تحصیل رایگان برای فرزندان‌شان برخوردار باشند. سرانجام سطح حداقل دستمزد کارگران، نهایتاً به رقم یک میلیون و سیصد و نود هزار است.

اعتراض کارگران برای دستمزد عادلانه سال‌هاست که ادامه دارد و به نتیجه‌ای هم منجر نشده است.

این در حالی است که تورم رشد یابنده سطح دستمزد واقعی کارگران را به‌شدت کاهش داده است. قیمت هر کیلو پیاز به حدود 11 هزار تومان، مرغ 18 هزار تومان و هر کیلو گوشت گوسفند به حدود 140 هزار تومان رسیده و یک کیلو پنیر هم 19 هزار تومان است. این ارقام از سفره بسیاری از خانواده‌های کارگری حذف شده است. کمیته مزد شورای عالی کار که در سال‌های اخیر خود هزینه سبد معیشت کارگران را محاسبه می‌کند، اسفند سال گذشته هزینه سبد معیشت خانوار کارگری را 3 میلیون و 759 هزار تومان تعیین کرد. پیش‌بینی‌ها برای سال آینده باز هم افزایش بیش‌تر قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز کارگران و کاهش بیش‌تر مزد واقعی کارگران است.

این دستمزد، آشکار به‌معنی سرکوب و تنبیه شدید کارگران و خانواده آن‌هاست. سیاستی است که کارگران زمین گیر شوند و جرات اعتراض و اعتصاب نداشته باشند.

دستمزد مصوب هیچ تناسبی با هزینه‌های کارگران ندارد در حال حاضر در تهران، کرایه یک اتاق 12 متری کمتر از 500 هزار تومان در حاشیه‌ای‌ترین نقطه تهران نیست.

بی‌شک با این دستمزد، کارگر باز هم مجبور است از بهداشت و درمان و کیفیت غذایی بکاهد خواهد. خانواده‌های کارگری مجبورند برای تامین زندگی‌شان دست به اضافه‌کاری بزنند؛ از بیمه درمانی صرف‌نظر کنند.

ادامه در ص 5



دستمزد سال 98 کارگران ایران

منابع کارگری از پرداخت نشدن حقوق اسفند ماه و بخش از عیدی بیش از 2 هزارو 500 کارگر دانی مجتمع نی شکر هفتتپه خبر می‌دهند.

کارگران مجتمع نیشکر هفتتپه به خبرگزاری کار ایران ایلنا، چهارشنبه 7 فروردین 1398، گفته‌اند به جز تعویق حقوق اسفند و بخشی از عیدی، حق بیمه آنان نیز از دی ماه پارسال پرداخت نشده است.

بر اساس گزارش این منابع خبری، تمدید نشدن دفترچه های درمانی کارگران باعث شده کارگران برای درمان بیماری خود وسایر اعضای تحت تکفل هزینه های آزاد و سنگینی را متحمل شوند.

به گفته این کارگران؛ درحالی مطالبات مربوط به اسفند و بخش از عیدی خود را از کارفرما دریافت نکرده‌ایم که طبق برنامه‌ریزی های انجام شده از سوی کارفرما قرار بود همه مطالبات مزدی و عیدی کارگران قبل از پایان سال به صورت کامل پرداخت شود. این در حالی است که به دلیل تامین نشدن منابع مالی کارفرما در روزهای پایانی سال گذشته با پرداخت بخشی از معوقات مزدی و عیدی، پرداخت مابقی مطالبات معوقه را به سال آینده (به روز پنجم و ششم فروردین) موکول کرد.

طبق ادعای کارگران هفتتپه، در حال حاضر همه کارگران دانی فقط یک میلیون 320 هزار تومان بابت عیدی دریافت کرده‌اند و هر کارگر مبلغی حدودا دو میلیون تومان دیگر بر اساس میزان دریافتی از کارفرما بابت عیدی طلبکار است.

به گفته آن‌ها، پرداخت نشدن 2 ماه از مزایای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در سال 93 به همراه 8 ماه مزایای حق بن برای کارگران روزمزدی و همچنین پرداخت برخی مزایای عرفی از مطالبات دیگر کارگران مجتمع

نیشکر هفتتپه در سال 98 است.

آن‌ها همچنین تاکید می‌کنند: بیش از دو سال است که مالکیت مجتمع نیشکر هفتتپه پرداخت برخی مزایای عرفی و قانونی کارگران را همانند سید کالای ماه رمضان و حق لباس کار، لوازم تحریر مدرسه و غیره را کم یا متوقف کرده است.

بن کالا که قرار بود تا آخر سال گذشته، 3 بار به کارگران داده شود فقط یک بار داده شده است. حق مسکن شده 100 هزار تومان. در حالی که این مبلغ، حتی هزینه اسباب‌کشی را تامین نمی‌کند.

در چنین شرایط بحرانی، حتی آن‌هایی که خود را به عنوان فعال کارگری و نماینده کارگری معرفی می‌کنند نه به فکر کارگران، بلکه به فکر سیاست اقتصادی حکومت هستند. برای مثال، فتح‌الله بیات رییس تشکل دست‌ساز «اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی»، گفته است گرچه دستمزد تعیین شده با سید معیشت خانوار کارگری فاصله دارد اما «در شرایط کنونی اقتصاد ایران دستمزد نسبتا مناسبی» است. زیرا تعیین دستمزد سه میلیون و 800 هزار تومانی «شوک زیادی» به اقتصاد وارد می‌کند. بیات از دولت خواسته است با توزیع بن کالاهای اساسی سبد معیشت کارگران را پوشش دهد.

بنا به گزارش اعتماد آنلاین، جمعه 10 فروردین 1398، رحیم زارع، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفته است: تورم کالاهای اساسی بالای 40 درصد است؛ در سال 98 باید به معیشت مردم، اشتغال و صندوق‌های بازنشستگی توجه کرد؛ 14 میلیارد دلار یارانه کالای اساسی به دست افراد نیازمند نمی‌رسد؛ صادرات غیرنفتی و مدیریت ارز باید جزو برنامه‌های راهبردی باشد.

او در خصوص چشم‌انداز اقتصادی ایران در سال 98، گفت: ممکن است نرخ تورمی که با بقیه کالا گرفته می‌شود به عدد 40 درصد نرسد اما تورمی که با کالاهای اساسی و مورد معاش مردم گرفته می‌شود بالای 40 درصد است.

زارع در ادامه افزود: «باید به چند دلیل معیشت فرهنگیان را مدنظر قرارداد. فرهنگیان زیربنای توسعه، نقشه راه آینده کشور و همین‌طور پرورش‌دهنده نسل‌های آینده هستند... در بودجه امسال از 24 میلیارد دلار نفت، 14 میلیارد دلار آن را به کالاهای اساسی اختصاص داده‌ایم، اما این مبلغ به صورت هفتمند به دست کسانی که باید برسد، نمی‌رسد.

بعضا با پیگیری دستگاه‌های امنیتی و سازمان تعزیرات مشاهده می‌شود از این 60 هزار میلیارد تومان که برای کالاهای اساسی اختصاص داده شده به دست افراد نیازمند نمی‌رسد و اشخاصی که این پول‌ها را در اختیاردارند از آن سوءاستفاده می‌کنند.»

این نماینده در پاسخ به این سوال که فکر می‌کنید دستمزد چهقدر باید افزایش پیدا کند؟ پاسخ داد: «با توجه به وضعیت تورمی که به‌خاطر نوسانات نرخ ارز در کشور به‌وجود آمد به‌نظرم می‌رسد که حتی اگر حقوق پایین، بازنشستگان و کارگران را حتی بین 40 تا 50 درصد هم افزایش بدهیم کار خاصی نکردیم.»

او در ادامه افزود: «در حال حاضر 60 هزار میلیارد تومان یارانه به کالاهای اساسی و بیش از 200 هزار میلیارد تومان یارانه به بنزین می‌دهیم. با مدیریت درست می‌توان نزدیک به 20 تا 30 هزار میلیارد تومان این یارانه‌ها را برای افزایش حقوق کارگران، بازنشستگان و افرادی که حقوق زیر 2 میلیون تومان دریافت می‌کنند ساماندهی کرد.»

این عضو کمیسیون اقتصادی، در پاسخ به این سوال که آیا تورم به 40 یا 50 درصد رسیده است که بخواهیم دستمزدها را به 50 درصد افزایش دهیم؟ گفت: «قیمت کالاهای اساسی مردم حداقل دو برابر شده است. تورم طبیعی است و آن تورم نقطه‌به‌نقطه‌ای که بانک مرکزی و مرکز آمار منتشر می‌کند با تورمی که در سفره مردم است فرق می‌کند. به عنوان مثال ظرف ماست 1500 تومانی به یک‌باره 2500 تومان شده است که این مشخص‌کننده تورم بالاست.»

او در پایان افزود: «ممکن است نرخ تورمی که با بقیه کالا گرفته می‌شود به عدد 40 درصد نرسد اما تورمی که با کالاهای اساسی و مورد معاش مردم گرفته می‌شود بالای 40 درصد است.»

بی‌تردید کارگران به این سطح دستمزد تن نخواهند داد. کارگران نه تنها به زندگی زیر خط فقر اعتراض دارند، بلکه خواستار برچیده شدن حقوق‌های نجومی و فاصله عمیق طبقاتی در سطح جامعه هستند. کارگران، معلمان، بازنشستگان و ... با شعارهایی چون «حکومت سرمایه‌دار مفتخور نمی‌خواهیم»، «یک اختلاس کم پشه مشکل ما حل میشه» و ...، کل بساط سرمایه‌داری حاکم را به چالش کشیده‌اند. طبیعتا باید جنبش حداقل دستمزد 7 میلیون را پیگیری کرد و گسترش داد.

در سال جاری اعتصابات و اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان نسبت به سال قبل افزایش یافته، اما برخلاف سال‌های گذشته ما شاهد اعتراضات متمرکز در ارتباط با دستمزد و خواست مزد عادلانه نیستیم. بحران هر روز بیش‌تر می‌شود و کارگران حتی بدون داشتن سازمان صنفی و طبقاتی خود وارد میدان شده‌اند.

در حال حاضر اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان سندیکای نیشکر هفتتپه و خاتم سپیده قلیان حامی این کارگران، داود رضوی و ابراهیم مددی از سندیکای شرکت واحد، سه عضو فعال کانون صنفی معلمان تهران، اسماعیل عیدی، لنگرودی، حبیبی و ... در زندان هستند.

به این ترتیب، با توجه به بحران فزاینده و خروج مداوم ثروتهای مردم ایران توسط غارتگران حکومت و موج رکود در صنعت و موج بیکارسازی کارگران، باز هم سرکوب شدیدتر شده است.

همه نیروهایی که با سرکوب سانسور، شکنجه و اعدام، بیکاری و فقر و استثمار مخالفند باید آستین‌ها را بالا بزنند و تشکلهای مستقل خود به‌ویژه شوراهای خود در محل کار و زیست و زندگی به‌وجود آورند و با اتکا به نیروی خود، جوابگوی معضلات و مشکلات مردم محل و محیط زیست خود باشند. جامعه ما از این توان و پتانسیل برخوردار است. کافی است نگرش‌ها و سیاست‌های خودخواهانه، خودمحرانه، فرقه‌گرایانه، قدرت‌طلبانه و حکومت‌خواهی کنار گذاشته شود و همه نیروهای تحت ستم و استثمار شده به دور اصلی‌ترین مطالبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود جمع شده و توان خود را سراسری کنند.

در چنین شرایطی، تنها اندیشه‌های آزادی‌خواهانه، برابری‌طلبانه سوسیالیستی با افق و چشم‌انداز اداره شورایی جامعه و دموکراسی مستقیم است که می‌تواند نه تنها کارگران، بلکه کل جامعه ایران را از این بحران‌ها و خطرات برهاند و یک جامعه نوین انسانی بسازد.



دستمزد سال 98 کارگران ایران

هم‌اکنون قیمت اقلام ضروری کارگران، برای نمونه گوشت نسبت به سه ماه گذشته بیش از 60 درصد گران‌تر شده و با این دستمزد فقط کمتر از 10 کیلو گوشت می‌توان خرید. سال‌هاست میوه از سفره کارگران حذف شده است و به همین دلیل، باعث فقر ویتامین و مرگ و میر بیش‌تر نوزادان و سالمندان خانواده‌های کارگری شده است.

در چنین شرایطی، احتمال دارد که مجدداً مزد توافقی مطرح گردد. دستور روحانی برای فروش مجموعه شستا، یعنی فروش اموال کارگران به سرمایه‌داران، یکی دیگر از تعرض دولت به کارگران است. همین دو هفته پیش، کارگران بازنشسته صندوق بازنشستگی خصوصی آینده ساز در تهران، دست به اعتراض زده بودند که صندوق آینده ساز تا 2 سال دیگر هیچ پولی برای پرداخت به بازنشستگان خود نخواهد داشت. همچنین سازمان تامین اجتماعی، همه این اقدامات ضدکارگری، در راستای دستورات صندوق

بین‌المللی پول و اجرای اقتصاد نئولیبرالیسم صورت می‌گیرد. هم‌اکنون صندوق فولاد، فرهنگیان، تامین اجتماعی و آینده ساز همگی در معرض ورشکستگی قرار دارند.

در ذوب‌آهن، به دستور مدیرعامل، شیر کارگران را قطع کرده‌اند و فقط به کارگران بخش کوره شیر داده می‌شود. حال آن که آلودگی در سراسر ذوب‌آهن پخش است با این وجود، مدیرعامل برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها، شیر کارگران را حذف کرده است نه از حقوق‌های نجومی مدیران ذوب‌آهن.

بی‌تردید تفریح، سفر، کتاب، موسیقی، سینما، کتاب، روزنامه، و بسیاری از موارد دیگر در این سبد، هیچ جایی ندارند. این مسئله نیز برمی‌گردد به این‌که بخش عظیمی از طبقه کارگر تشکلهای واقعی و مستقل خود را ندارند و مبارزات پراکنده نیز تأثیر چندانی در سیاست‌های ضدکارگری حکومت و سرمایه‌داران ندارد. در حقیقت نگاه حکومت سرمایه‌داری اسلامی به طبقه کارگر، ابزاری است و هر زمان این ابزار فرسوده شد می‌توان آن را کنار گذاشت.

مدیر موسسه خیریه و نذر اصفهان نظرش این است که یک خانواده کارگری می‌تواند با 500 هزار تومان زندگی کند. واقعا این‌ها، نیازهای ساده و اولیه کارگر و خانواده‌اش را چگونه می‌سنجند؟ از نظر آن‌ها، کارگر فقط باید نان خشک بخورد و زن و فرزندش هم باید کار کنند؛ فرزند کارگر نباید درس بخواند؛ اگر هم مریض شد نباید به دکتر برود و ...

تازه همین دستمزدهای ناچیز شامل میلیون‌ها کارگر نمی‌شود از جمله کارگران کارگاه‌ها زیر پنج و ده نفر. در دوره ریاست جمهوری خاتمی کارگران این کارگاه‌ها از شمول قانون کار خارج شدند.

به علاوه اخیر انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی در بیانیه‌ای مشترک بر خطوط کلی مطالبات خود تأکید کردند و خواستار روشن شدن دستمزد کارگران ساختمانی شدند.

در بیانیه 84 انجمن صنفی کارگری آمده است: آیا کارگران ساختمانی در این کشور جز کارگران محسوب نمی‌شوند؟ یا خرج و مخارج زندگی این‌ها کمتر از سایر کارگران شاغل است؟ اصلاً تعیین دستمزد در سرنوشت کارگران ساختمانی تأثیرگذار است یا نه؟ چرا هیچ‌وقت هیچ تلاشی نشده است که برای کارگران ساختمانی نیز به‌سان سایر کارگران یک قیمت قانونی مصوب کنند تا کارفرمایان نیز از آن تبعیت کنند؟ هیچ می‌دانید برخی کارگران ساختمانی در برخی ماه‌های سال به ندرت 5 روز کار می‌کنند؟ بی‌شک کارگران ساختمانی مظلوم‌ترین و فقیرترین قشر از کارگران هستند که هیچ مقام رسمی در حمایت از معیشت آن‌ها هیچ جلسه‌ای را برگزار نمی‌کند؛ گاهی برخی انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی مستقل در کشور در این باب تلاش نموده‌اند که تأثیر به‌سزایی در سرنوشت‌شان ایجاد نکرده است.



در ادامه این بیانیه، خواسته‌های کارگران ساختمانی به شرح زیر بیان شده است:

- 1- تعیین دستمزد برای تمامی رشته‌های ساختمانی به‌صورت منطقه‌ای.
- 2- کاهش سن بازنشستگی از 60 سال به حداقل 55 سال.
- 3- گماردن کارهای ساختمانی در زمره کارهای سخت و زیان آور.
- 4- پرداخت غرامت بیماری چه ناشی از کار چه غیر ناشی از کار بدون هیچ پیش شرطی.
- 5- اجرای قانون واریزی حق بیمه کارگران ساختمانی با 7 درصد حداقل حقوق قانون کار.

این بیانیه را تشکلهای زیر امضا کرده‌اند:

- 1- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- میان‌آب؛ 2- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- میریوان و سروآباد؛ 3- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- ارومیه؛ 4- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- خوی؛ 5- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- نقده؛ 6- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- پیرانشهر؛ 7- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- بوکان؛ 8- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- مهاباد؛ 9- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- اشنویه؛ 10- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- سردشت؛ 11- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- شاهین دژ؛ 12- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کامیاران؛ 13- انجمن صنفی کارگران ساختمانی

- بناب؛ 14- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- مکان؛ 15- انجمن صنفی نقاشان پاکدشت؛ 16- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- ماهرشهر؛ 17- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- لارستان؛ 18- انجمن صنفی عایق کاران خنج؛ 19- انجمن صنفی گچ کاران و نقاشان خنج؛ 20- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- سقز؛ 21- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- آبدان؛ 22- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- پاوه؛ 23- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- جوانرود؛ 24- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- روانسر؛ 25- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- رشت؛ 26- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- شادگان؛ 27- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کازرون - فارس؛ 28- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- ری حسن آباد؛ 29- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- برفکاران ساختمانی کرمانشاه؛ 30- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- دورود؛ 31- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- بانه؛ 32- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- قزوین؛ 33- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- مراغه؛ 34- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- استادکاران و کارگران ابهر؛ 35- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- الیگودرز؛ 36- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- چناران؛ 37- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- یزد؛ 38- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- بومین زهرا؛ 39- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- امیدیه و آغاچاری؛ 40- انجمن صنفی نقاشان کاشان؛ 41- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- اردبیل؛ 42- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- اردبیل؛ 43- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- نمین؛ 44- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- نیر؛ 45- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- سرعین؛ 46- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- گرمی؛ 47- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- پارس آباد؛ 48- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- مشکین شهر؛ 49- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- اصلاندوز؛ 50- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- چناران؛ 51- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- لوله کشان مشهد؛ 52- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- درگز؛ 53- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- طرقبه و شان‌دیز؛ 54- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- بندر - انزلی؛ 55- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- شیروان و چرداول؛ 56- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- خرمدره؛ 57- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- هندیجان؛ 58- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- رامهرمز؛ 59- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- تبریز؛ 60- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- عجب‌شیر؛ 61- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- خدابنده؛ 62- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- اردکان؛ 63- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- استادکاران ساختمانی مشهد؛ 64- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- سنگ‌کاران سفت کار مشهد؛ 65- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 66- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 67- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 68- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 69- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 70- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 71- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 72- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 73- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 74- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 75- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 76- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 77- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 78- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 79- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 80- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 81- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 82- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 83- انجمن صنفی کارگران ساختمانی
- کاشان؛ 84- انجمن صنفی کارگران ساختمانی



ادامه در ص 4

تعیین دستمزد سال 98

«جلیقه زردهای» فرانسه روز شنبه سیام

مارس، برای بیستمین هفته پیایی به خیابانها آمدند!

تعرض همه جانبه سرمایه به سطح معیشت کارگران و زحمتکشان!

طبق گزارش خبرنگار ایلنا، جلسه شورای عالی کار با موضوع دستمزد بعد از بیش از 8 ساعت مذاکره، حداقل دستمزد کارگران را 15168822 ریال تعیین کرد؛ حق اولاد برابر با 19719470 ریال و حق بن 1900000 ریال تعیین شد، حداقل دستمزد 37 درصد افزایش یافته است.

ارگانهای ضد کارگری در کنار دولت کارفرماها و شورای عالی کار در دویست و هشتاد و دومین جلسه شورای عالی کار بعد از نشست 8 ساعته حداقل دستمزد کارگران را از یک میلیون و 114 هزار تومان سال گذشته به یک میلیون و 522 هزار تومان در سال 98 افزایش دادند. در واقع در توافق نهایی، حداقل دستمزد 37 درصد افزایش یافته است. این مبلغ از افزایش دستمزد بار دیگر تعرضی به سطح معیشت طبقه کارگر و زحمتکشان است. در حالی که قیمت مایحتاج عمومی و دیگر کالاهای مصرفی در بسیاری موارد از دویست و سیصد درصد هم گذشته است، روحانی با وفاحت و بی شرمی تمام اعلام نموده که: "توان دولت بیش از این برای افزایش دستمزدها نبود." این "فرمایش" در حقیقت اعترافی است که تعیین می کند دولت به عنوان کارفرما حرف آخر را می زند و اوست که سرانجام حاتم بخشی کرده! و این نرخ را تعیین می کند. بنابراین دولت نه تنها شریک جرم، بلکه مجرم اصلی در تعیین این مبلغ شرم آور است. باید به روحانی گفت وقتی به کارگران که می رسد دولت با کمبود و ناتوانی روبه رو می شود، اما زمانی که به اختلاس گران و دزدان چند صد میلیارد دلاری به سرکردگی خودت و همپالگی هایت می رسد از عجز و ناتوانی خبری نیست. دولت و سرمایه داران با در دست داشتن سرمایه، خود از محترم ترین مواد مورد نیاز توده های کارگر و زحمتکش هستند. با وارد نمودن جنس به بازار با چندین برابر قیمت سودهای کلانی به جیب می زنند، و به تورم و گرانی دامن می زنند.

چرا تاوان این همه فقر و فلاکت را کارگران باید بدهند؟ چرا قیمت کالاهای تولیدی که سرمایه داران صاحب آن هستند در سال چندین بار و چندین درصد افزایش می یابد و دستمزد کارگران سالی یک بار با در نظر گرفتن حداقل افزایش و هزاران چانه زنی باید انجام گیرد؟ هزینه زندگی کارگران بدور از اراده آن ها امروزه به ارزشهای خارجی رقم زده شده است. چرا دستمزدهای آن ها نباید با همان نرخ ارزهای خارجی محاسبه گردد؟ در نظام ضد کارگر جمهوری اسلامی کارفرمایانی که حقوق ها را با ماهه تاخیر می پردازند به عنوان مجرمین به دادگاه احضار نمی شوند، در عوض کارگران اعتصابی که برای دریافت حقوق معوقه و بر علیه خصوصی سازی ها اعتراض می کنند زندانی و شکنجه می شوند.

در عدم حضور طبقه کارگر متحد و متشکل جمع کلاه برداران و چپاولگران و اختلاس گران سالی یک بار گرد هم می آیند تا بنا به رعایت منفعت خود دستمزد کارگران را تعیین کنند. اما وقتی حقوق های کارگران ماهه به عقب می افتد و یا کارگران را به طور جمعی از کار بیکار می کنند، هیچ کجا هیچ یک از حضرات شرکت کننده در جمع "تعیین حداقل دستمزد" پیدایشان نمی شود. آن گاه نیروی پلیس و انواع نیروی نظامی و انتظامی است که در صحنه حضور پیدا می کنند و به کارگران یورش می آورند.

کارگران تنها با یک مبارزه آشتی ناپذیر با سرمایه داری می توانند حقوق و مطالبات خود را به کارفرماها و دولت سرمایه تحمیل نمایند و به این طبقه استثمارگر که روحانی هم جزء آن هست افسار بزنند. افزایش 37 درصدی دستمزدها از طرف دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی یعنی تحمیل بردگی تمام عیار به کارگران و خانواده هایشان.

از منظر ما فعالان نهادهای همبستگی، تنها راه برون رفت از شرایط نکبت بار امروز زندگی کارگران از تنگناهای موجود در سال جدید، اتحاد و همبستگی هر چه وسیع تر نیروها و تشکلهای کارگری و به خصوص تشکلهای پیایی و سازمان پیایی مستقل کارگران از پایین می باشد. تنها در این صورت است که می توان سیاست های هار نئولیبرالی را به عقب راند و کارگران و زحمتکشان جامعه را در سرنوشت خود سهیم نمود.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور

20 مارس 2019 - 29 اسفند 1397

«جلیقه زردهای» فرانسه روز شنبه سیام مارس، برای بیستمین هفته پیایی به خیابانهای برخی از شهرهای فرانسه از جمله پاریس آمدند تا با وجود ممنوعیت و محدودیت هایی که برای تظاهرات آنان وضع شده، خشم خود را علیه سیاست های حاکم ابراز کنند. در تظاهرات دو هفته پیش در روز شانزدهم مارس، اداره پلیس پاریس تظاهرات جلیقه زردها در خیابان معروف شانزده لیزه را ممنوع کرد، خیابانی که کاخ الیزه و مجلس ملی فرانسه در محدود آن قرار دارند. اداره پلیس پاریس، با انتشار بیانیهای بدون ارائه جزئیات خبر داد که دو تظاهرات و چهار تجمع از پیش اعلام شده و مجوز دارد. خبرگزاری فرانسه از پاریس گزارش داده که تا اواسط روز شنبه سیام مارس، حدود سیصد تظاهرکننده در ایستگاه قطار شرق پاریس تجمع کردند. یک تظاهرکننده 51 ساله به این خبرگزاری گفت: «ما به همان دلیلی که روز 17 نوامبر سال گذشته (یعنی اولین هفته تظاهرات جلیقه زردها در فرانسه) به خیابانها آمدیم، اکنون نیز به خیابانها آمده ایم».



به گزارش خبرگزاری فرانسه، جلیقه زرد شعارهایی را علیه امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه سر می دادند و چند هفته مانده به انتخابات پارلمان اروپا، برگه های انتخاباتی خود را به صورت پاره شده روی جلیقه های زرد خود چسبانده بودند. جنبش جلیقه زردها در فرانسه در ابتدا با اعتراض به سیاست های مالیاتی و کمک های اجتماعی دولت آغاز شد، اما به مرور مطالبات بیش تری به آن اضافه شد.

بیرگیتته بونیسون، مدیرعامل سوند بانک از سمت خود برکنار شد

به دنبال افشاگری تلویزیون سوند در مورد میلیون ها دلار پول شویی در شعبه های این بانک در کشورهای بالتیک، مدیرعامل آن خانم بیرگیتته بونیسون به عنوان مسئول این اتفاق معرفی شد، اما مورد پشتیبانی هیئت رییس بانک قرار گرفت و به کار خود ادامه داد. اینک با اعلام تصمیم سهامداران بزرگ این بانک در مورد ندادن رای تایید عملیات به بیرگیتته بونیسون، او از سمت خود برکنار شده است. او 22 میلیون کرون خواهد گرفت و حقوق سالانه اش بیش از 15 میلیون کرون بود. هیئت رییس سوندبانک، در بیانیه خبری خود نوشته است رویدادهای اخیر باعث فشارهای زیادی بر این بانک شده و به این دلیل هیئت رییس تصمیم به برکناری مدیرعامل آن گرفته است. هیئت رییس سوندبانک، اندرش کارلسون، رییس کنونی امور سرمایه گذاری کنسرسیوم را به جانشینی او انتخاب کرده است.

فاجعه سیل در ایران و سازمان یابی

تشکل های مستقل مردمی در محل

جاری شدن سیل در استان های شمالی و شیراز و دیگر مناطق ایران جان شهروندان را با خطرات جدی روبه رو ساخته است، جان ده ها انسان گرفته شده، هزاران خانواده بی خانمان شده اند. عواقب این سیل ویرانگر همچنان ادامه دارد؛ و زندگی شهروندان بیش تری در معرض خطر و نابودی است، این فاجعه به علت بی توجهی نیروهای امداد و کمکی و عدم مسئولیت سران جنایتکار جمهوری اسلامی در قبال جان و هستی مردم، تعداد بی شمار دیگری را در معرض نابودی قرار خواهد داد. آن هانی هم که جان سالم بدر برده اند، در ماتم و سوگواری عزیزان خود مات و مبهوت به انتظار آینده ای نامعلوم در بدترین شرایط زیستی و بدون حتی حداقل امکانات به سر می برند.



سنوال این است چرا سیل چنین خاتمان بر انداز این مناطق را به محاصره خود در آورد؟ روزنامه ها و دیگر رسانه های حکومتی "بارش شدید باران"، "بی سابقه بودن بارش"، "سرریز شدن آب سدها" و "طغیان رودها" را سبب سیل و خسارت های آن اعلام می کنند و چنین می نمایند که "بلایی طبیعی" نازل شده است؛ اما این فقط ظاهر قضیه است. متأسفانه مردم ایران چهار دهه است اسیر چپاولگران، غارتگران و اوباشان حکومتی هستند، که نه تنها در بهبودی زندگی مردم قدمی برنداشته اند، بلکه بر تمام منابع زیر زمینی چنگ انداخته و با دست بردن به طبیعت و منابع طبیعی زمینه را برای هر نوع آسیب رسانی و خرابی مهیا نموده اند. در این راستا ده ها فعال محیط زیستی را از ترس این که نقشه های شوم سران رژیم افشاء نشود به سیاه چال ها انداخته اند، شکنجه و به قتل رسانیده اند. فجایی هم چون سیل خاتمان برانداز اخیر و یا زلزله مهیبی که در کرمانشاه و حوالی آن اتفاق افتاد قبل از این که یک سانحه طبیعی به شمار آورده شود، عاملان اصلی اش نظام جمهوری اسلامی ضد بشر است، که برای سودآوری و غارت سیری ناپذیر با دست بردن بر تمام منابع طبیعی شرایطی را فراهم آورده اند که بر اثر کوچکترین اتفاق، فاجعه بزرگ و خاتمان برانداز را به دنبال خود دارد. و زمانی که این اتفاق می افتد با بی شرمی تمام مردم آسیب دیده را به حال خود رها می سازند. بلایی که در قرن 21 و با این درجه از پیشرفت تکنولوژی و قدرت تولید اتفاق می افتد، بشریت از آن چنان خلاقیت و امکانات پیش بینی و پیش گیری برخوردار است، که بتواند آسیب رسانی از این مصائب طبیعی را به حداقل رساند، بشرطی که مردم از حمایت حکومتی برخوردار باشند که در قبال زندگی و هستی انسان ها احساس مسئولیت می کند نه حکومت جنایتکاری همچون جمهوری اسلامی که آن چه برایش ارزش ندارد جان و زندگی میلیون ها انسان است. دست اندرکاران رژیم بدون این که کوچکترین نقشی در همیاری و کمک رسانی به مردم مصیبت دیده این مناطق ایفاء نمایند، سرانش در خارج از ایران در مسافرت و تعطیلات عید به سر می برند. هر چند که حضور مسئولان در این مناطق هم چندان موثر نخواهد بود چرا که اوج وقاحت آن ها را می توان از پاسخ رییس مجلس در بازدید از سیل زدگان مشاهده نمود که با کمال وقاحت و بی شرمی به پیرزن سیل زده که از نبود امکانات گلایه می کرد، گفت «فعلا که سالمید!»

مردم ایران در رابطه با مسئله به خوبی آگاهند، که بروز "مصائب طبیعی"، طبیعی نیست بلکه پدیده ای اجتماعی است و برای مقابله و حل آن باید علت را جستجو نمود، علت آن هم ریشه در حکومتی دارد که با چنگ انداختن بر سرمایه های مملکت و استثمار و سود بری سیری ناپذیری فقر و فلاکت را بر اکثریت جامعه حاکم نموده است.

آنچه در این یک مدت در استان گلستان و شیراز و دیگر مناطق سیل زده اتفاق افتاده و هنوز ادامه دارد، ضمن این که توده های مردم زحمتکش در آن منطقه با مشکلات بسیار از جمله مسکن، غذا و پوشاک و بهداشت و دارو و غم از دست دادن عزیزان خود روبه رو هستند، اما همبستگی و همیاری هنوز بین آن ها از درجه بسیار بالایی برخوردار است که سبب تقویت اجتماعی شدن حرکت های اعتراضی آنان می شود.

توده های مردم با استفاده از این اتحاد و همبستگی و با ایجاد شوراهای مردمی و سازماندهی خود در محل نه تنها کمک هایی که به دست آن ها می رسد را تحت نظارت و تقسیم عادلانه بین خود در می آورند، بلکه با متشکل شدن از این طریق و مبارزه با رژیم هزینه این خسارات را به رژیم تحمیل می کنند، و در عدم حضور آن ها و کمک رسانی به آسیب دیدگان صدای خود را رساتر نموده و به افشاگری این عمل ضد انسانی می پردازند.

نهادهای همبستگی در خارج کشور، به خانواده هایی که در این فاجعه دلخراش عزیزان خود را از دست داده اند تسلیت می گوید و خود را در غم آن ها شریک می داند. و ضمن هم دردی از هیچ گونه کمکی دریغ نخواهد کرد!

26 مارچ 2019

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

آلترناتیو بعد از سرنگونی

جمهوری سرمایه داری اسلامی و چگونگی عملی شدن آن!



مارس 2019 31

ساعت 13.00

ABF – Stockholm - Sveavägen 41

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

Iransk-svenska arbetarsolidaritetskommittén

isask@comhem.se

این جلسات آخرین یکشنبه هر ماه برگزار می شود



Stå stark mot inskränkning av strejkrätten!

Fackföreningarnas viktigaste maktmedel är möjligheten att strejka, det är det enda som tvingar arbetsgivare att förhandla och sluta avtal



Arbetsköparna attackerar mot vårt största maktmedel nämligen strejkrätt, för att de vill ha tysta arbetare och billiga arbetskrafter.

Svenskt Näringsliv med hjälp av fackliga centralorganisationerna kämpar för mer makt och för att få möjlighet att ge lägre lön och sämre anställningsvillkor samt teckna billigare kollektivavtal.

**Länge leve kollektivavtal!
& Länge leve strejkrätt!**

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

Iransk-svenska
arbetarsolidaritetskommittén
2019

isask@comhem.se

کارگران بنادر سوئد پیروز شدند!

سازمان کارفرمایان بنادر سوئد، از ترس اعتصاب سراسری کارگران بنادر سوئد، شب قبل از شروع اعتصاب سراسری، مجبور به نوشتن قرار داد دسته‌جمعی با اتحادیه کارگران بنادر شد. کارگران بنادر تصمیم گرفتند که از روز 6 مارس 2019، اعتصاب کامل و سراسری در تمامی بنادر را آغاز نمایند. کارفرمایان که از همه حربه‌ها علیه کارگران استفاده کرده بود، در دقایق آخر روز 5 مارس با قبول مطالبات کارگران بنادر عقب‌نشینی کردند. اتحادیه کارگران بنادر، که اعضا تصمیم‌گیرنده هستند، از همبستگی وسیعی در میان کلوب‌ها و بخش‌های مختلف کارگری و سایر حقوق بگیران در سوئد برخوردار بودند و با فراخوان کمک مالی به صندوق اعتصاب در عرض سه روز موفق شدند بیش از یک میلیون کرون سوئد به صندوق اعتصاب اتحادیه افزایش دهند. با عقد قرار داد دسته‌جمعی، اتحادیه موفق شد که نماینده کارگران در محل کار و نیز نمایندگان امنیت و حفاظت در محل کار خود را معرفی و در تمامی محلات کار مستقر کند. این پیروزی در زمانی صورت گرفت که سازمان سراسری کارفرمایان در همراهی با سران سه اتحادیه سراسری ال‌او، تس‌او و ساکو و نیز دولت ائتلافی حزب سوسیال دموکرات، حزب لیبرال و حزب مرکز در تدارک محدود کردن حق اعتصاب می‌باشند. مبارزه و اعتصاب اتحادیه کارگران بنادر سوئد برای عقد قرار داد دسته‌جمعی موفق شد، اما مبارزه کارگران بنادر و دیگر کلوب‌ها، تشکلهای کارگری و حقوق بگیران برای دفاع از حق اعتصاب کماکان پیگیرانه در جریان است.



زنده باد اعتصاب پیروزمندانه کارگران بنادر سوئد!
زنده باد حق تشکل مستقل کارگران،
زنده باد حق اعتصاب!
کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

31 مارس 2019

Iransk-svenska arbetarsolidaritetskommittén